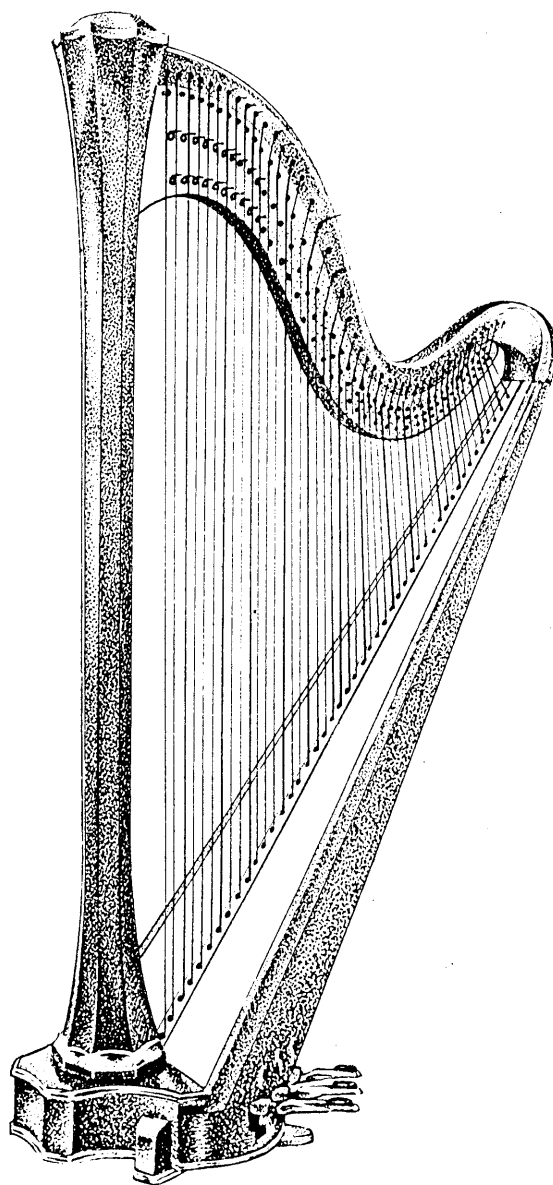




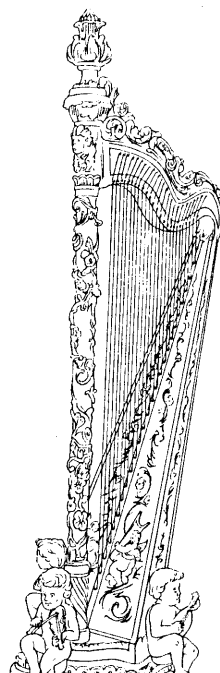
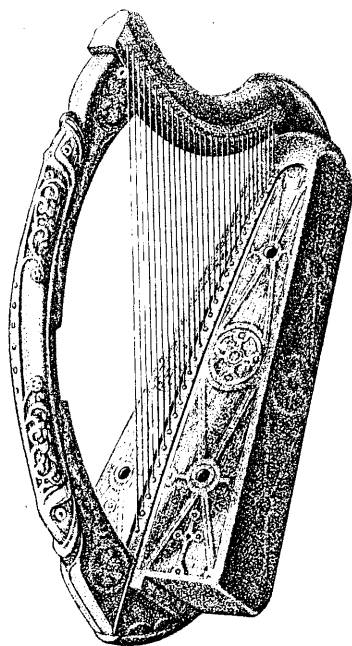
ه [He]: نام نغمه‌ای در اکتاو اول وتر، در موسیقی قدیم ایران.

هاتف، علی [Ali Hâtef]: خواننده، آهنگساز، ترانه سرای ساکن لس آنجلس که در سال ۱۹۸۳ به آمریکا آمد، و در سالهای اخیر از فعالیت بسیار خوبی در این شهر برخوردار است. کارهای هاتف رنگ و حال ملی گرائی و وطن دوستی و مبارزه دارد. از آلبومهای این خواننده متعهد میتوان به: نقاب، یاران خیالی و زنگ تفریح اشاره داشت.

هاتفی [Hâtefi]: مولانا عبدالله هاتفی از مثنوی گوینان اواخر عهد تیموری و آغاز دوره صفوی است. او در جام خراسان بدنیا آمد و همانجا ماند. هاتفی در سال ۹۲۷ هجری چشم از جهان فرو بست. از منظومه های این شاعر میتوان به: لیلی و مجنون، شیرین و خسرو، هفت منظر، تمرنامه و ظفر نامه اشاره داشت.

هادی [Hâdi]: خواننده مقیم آمریکا که تنها از او آلبوم: باغ آرزو قابل ذکر است.

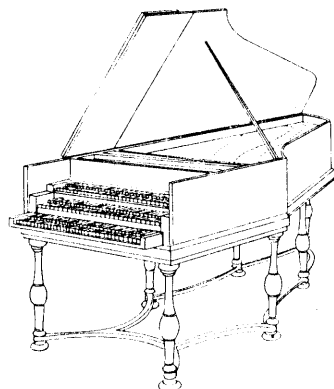
هارپ [Hârp]: سازی است رشته‌ای مطلق از رده چنگ. این ساز تکامل یافته ساز باستانی چنگ است. هارپی که امروزه رایج است از نظر شکل ظاهر و ساختمان فنی شباهتی با چنگهای قدیمی ندارد.



این ساز از سال ۱۷۷۳ میلادی مراحل تکامل خود را آغاز نموده و در سال ۱۸۸۱ بوسیله سباستین ارار (Sebastien Erard) سازگر مشهور استراسبورگ به کمال رسیده است.

هارپ موسوم به ارار، ۴۶ سیم دارد و هفت مدال یا اهرم در بخشی که ساز روی زمین قرار میگیرد، کار گذاشته شده است. هر پدال در دو حفره قابل حرکت است. گام های بمل دار، برای هارپ بسیار مناسب هستند.

هارپسیکورد [Härpsikord]: از آلات موسیقی زهی کلاویه ئی (شتی دار)، شبیه به پیانو که در سده ۱۶ اختراع گردید.

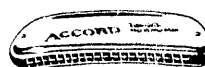


هارمونی [Härmoni]: هارمونی یا آرمونی یا هماهنگی و هم آوازی، فن ترکیب و تناسب دادن اصوات که به گوش انسان خوش آیند باشد. در اصطلاح موسیقی، دستورها و قواعد مدونی است که بین صوتهای مختلف در یک قطعه چند صدائی هماهنگی برقرار میسازد.

هارمونیزه [Härmonize]: به هارمونی در آوردن. یک موسیقی تک بخشی را بصورت قطعه چند بخشی به شکل هموفونیک و یا پلی فونیک به اجرا در آوردن.

هارمونیک [Härmonik]: اصوات فرعی همراه با هر صوت اصلی که نوع و تعدادشان سبب تشخیص جنس صدای یک ساز می گردد.

هارمونیکا [Härmonikà]: از آلات موسیقی غربی که در ایران بنام ساز دهنی مشهور است.



آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وحدان O,o V,v (Cub) چوب U,u C,c (Zale) زاله Z,z

هارمونیوم [Hārmoniyom]: از آلات شتی دار بادی که شباهت ظاهری به پیانو دارد و در آن لوله های صوتی آزاد وجود دارد.

هاروطنیان، واهاک [Vāhik Hārutunyān]: موسیقیدان و رهبر گروه کر در آبادان و تهران در سالهای پیش از انقلاب.

هاشمی کرمانی [Hāsemi Kermāni]: شاه جهانگیر هاشمی کرمانی از شاعران سده دهم هجری است. ولادتش در نیمه دوم سده نهم اتفاق افتاد و با جامی (۸۹۸ هجری) هم صحبتی داشته است. مشهورترین اثر این شاعر. مظهرالآثار نام دارد. هاشمی کرمانی در سال ۹۴۸ به هنگام عزیمت از مکران به ایران بدست راهزنان کشته شد.

هاکوپیان، زاون [Zāven Hākopyān]: دکتر زاون هاکوپیان، استاد تدریس زیبایی شناسی و فرم در هنرستان عالی موسیقی تهران.

هاکوپیان، ورا [Varā Hākopyān]: نوازنده چیره دست پیانو و استاد تعلیم این ساز در هنرستان عالی موسیقی تهران.

هالکو [Hālko]: شرکت تولید، تکثیر و پخش نوار CD ایرانی در تهران.

هاله [Hāle]: لطفاً به رقابی، حیدر نگاه کنید.

هامبارسون [Hāmbārsūm]: صنعتگر و سازنده تارکه عموی یحیی دوم بود، او تار میساخت ولی معروفیت یحیی را نداشت. هامبارسون از آرامنه اصفهان بود.

هایده [Hāyde]: زنده یاد هایده (معصومه دده بالا) در سال ۱۳۲۱ خورشیدی به دنیا آمد. شوق خواندن از کودکی در او وجود داشت. مشوق او مادرش زینب بلغاری بود. هایده خواهر، هنرمند گرانقدر مهستی است و پس از او توسط استاد علی تجویدی به عالم هنر معرفی شد. اولین ترانه ای که هایده اجرا کرد «آزاده ام» نام داشت که شعر آنرا رهی معیری گفته بود. هایده در مدتی کوتاه به اشتهار و معروفیت

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i (Vojdan) وحدان V,v O,o (Cub) چوب C,c U,u (Zale) زاله Z,z (Xayyam) خیام X,x Y,y (Qarq) غرق Q,q (Jamw) جمع J,j W,w (Sarkes) سرکش S,s K,k (Adam) آدم A,a (Zale) زاله Z,z

بسیار دست یافت و به خواننده دربار مشهور گشت. اکثر آهنگسازان بزرگ ایران با او همکاری داشتند. از هایده ترانه های ماندگار بسیاری بر جا مانده است. او پس از تغییر رژیم به آمریکا آمد و در لس آنجلس سکونت گزید. هایده در سال ۱۳۶۸ خورشیدی پس از اجرای کنسرت در شمال کالیفرنیا بر اثر سکته قلبی چشم از جهان فرو بست. قبر هایده در گورستانی (وست وود موچواری) واقع در خیابان وست وود لس آنجلس در کنار قبر مادرش میباشد. از ترانه های جاویدان این خواننده بزرگ میتوان به: دستای تو، ای زندگی سلام، جادو، شب میخونه، شانه هایت، روزای روشن، پادشه خوبان، راز دل، نفرین، شیرین جان، اومدن محاله، دیدار، بهار زندگی، دعای سحر، قمار زندگی، زندگی قشنگه، من خودم رفتیم، بخشش، سفره عشق، مهربون من، ای خدا، اول آشنائی، سیاه چشمون، شوریده سر و ده ها ترانه و آواز دیگر اشاره داشت.

هایک [Háyk]: خواننده مقیم آمریکا که از او آلبوم: التماس با ۶ ترانه: قصه غم، بهار، دستخوش، عشق نازنین، التماس و سکوت سنگین در دسترس میباشد.

هایک [Háyk]: استاد کمانچه و از همکاران نزدیک استاد حسین تهرانی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۱۶ خورشیدی که همکاری نزدیکی با مرتضی خان نی داود داشت. از این هنرمند صفحاتی که توسط کمپانی هیز مسترز ویس ضبط شده است، موجود است.

هجای بلند [Hejáye Boland]: هجائی است که از دو حرف بی صدا و یک حرف با صدا تشکیل شده باشد، نظیر: دل و گل.

هجران [Hejrán]: از آوازهای مشهور ایل قره پایاغ که در اطراف نقده زندگی می کنند.

هجرائی، دستگاه موسیقی [Dastgáhe Musiqiye Hejrání]: هجرائی دستگاه متداولی در موسیقی اهل حق نیست. بنا به روایت استاد نور علی الهی، هجرائی بوسیله گامی بانوایی غریب بیان می شود.

هجری قمی [Hejri Qomi]: قاسم بیگ هجری شمشیرگر قمی از شاعران مشهور سده دهم هجری است. هجری قمی، شاعری غزلگو بود ولی اهمیت کارش در نظم مسدس ترکیب هاست.

هدایت، مهدی قلی [Mehdi-qoli Hedāyat]: (مخبرالسلطنه) از خاندان معروف هدایت و از مطلعان تاریخ و فرهنگ ایران است. کتاب مجمع الادوار در موسیقی از تألیفات اوست. هدایت از محضر دکتر مهدی خان منتظم الحکما (صلحی) بهره ها برد. خود صلحی از شاگردان ممتاز میرزا عبدالله بود و ردیف او را با سه تار نواخته و هدایت آنها را به خط نت نوشته است. این کار هفت سال طول کشید. مهدی قلی خان هدایت در ۲۲ شهریور ۱۳۳۴ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

هدی [Hodā]: نغمه‌ای در بیات اصفهان.

هدی [Hodā]: شاعر و ترانه سرای مشهور که از او کاست؛ فریاد تبعیدی با صدای او در دسترس می باشد.

هدیه [Hedye]: ترانه سرای مشهور معاصر که با اکثر خوانندگان معروف همکاری نزدیکی دارد.

هراتی، قاسم [Qāsem Harāti]: قاسم هراتی، معروف به قاسم قانونی از نوازندگان مشهور قانون در زمان صفوی بود. سلطان ابراهیم میرزای صفوی این هنرمند را از هرات به نزد خود آورد و او را مخفی نگاه داشت و از ترس عم خود، شاه تهماسب صفوی که پادشاهی متعصب بود و موسیقی را حرام میدانست، پنهانی از قاسم هراتی آموزش موسیقی می گرفت.

در زمان شاه تهماسب، این پادشاه تازی پرست که دریافته بود، فرزندش حیدر میرزا با نوازنده‌ای ملازمت دارد. پس از دار زدن آن نوازنده، دستور داد تا تمام نوازندگان را بکشند. سلطان ابراهیم میرزا، قاسم هراتی را برای مدتی مدید در زیر زمین کاخش مخفی نگهداشت.

هرائی [Harāwi]: از مقام های اصلی در موسیقی شرق مازندران است.

هرتز [Hertz]: واحد فرکانس (بسامد) که بنام دانشمند آلمانی هاینریش هرتز و با علامت اختصاری HZ نام گذاری شده است. یک هرتز برابر یک ارتعاش یا نوسان کامل در مدت زمان یک ثانیه میباشد.

هرمزی، ابوالفتح میرزا [Abol-fath-mirzā Hormozi]: ابوالفتح میرزا هرمزی، برادر بزرگ استاد سعید هرمزی نوازنده تار و از شاگردان ممتاز میرزا حسین قلی بود. سعید هرمزی الفبای موسیقی را نزد برادرش آموخت.

آ,ā A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Voddān) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

هرمزی، سعید [Sawid Hormozi]: زنده یاد استاد سعید هرمزی در سال ۱۲۷۶ خورشیدی در محله سنگلج تهران بدنیا آمد. او فرزند میرزا حسین خان ثقه‌السلطنه بود که با موسیقی میانه خوبی نداشت، اما سعید در خفا و دور از چشم پدر، تار تیه و به تمرین می پرداخت. اولین استاد او درویش خان بود که پس از تصادف درویش در دوم آذر ماه ۱۳۰۵ خورشیدی و فوت او، سعید هرمزی، نزد علی اکبر خان شهنازی رفت. او در سال ۱۳۰۷ در تهران، خیابان شاپور، کلاس موسیقی باز کرد ولی به علت مشغله زیاد در بانک سپه کلاس را تعطیل نمود. در سال ۱۳۵۰ بنا به درخواست سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران، او اندوخته های خود را بر روی نوار ضبط و در اختیار مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران قرار داد. استاد سعید هرمزی در سال ۱۳۵۵ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

هریتاش، خسرو [Xosro Harytās]: آهنگساز مشهور پیش از انقلاب که از کارهای او موزیک متن فیلم: آدمک ساخته خود او، و با شرکت زری خوشکام، سیامک دولتشاهی و فریده صادقیان قابل ذکر است.

هزارک [Hezàrak]: در موسیقی قدیم، آهنگی را که برای ترانه میساختند، هزارک می گفتند.

هزارگی [Hezàragi]: نام یکی از آوازهای تربت جام است که دارای متر آزاد می باشد.

هژده تاری [Hejde Tàri]: سازی است رشته ای مقید از رده رباب. این ساز در بلوچستان رایج است.

هشت رود [Hašt Rud]: سازی زهی دارای هشت وتر یا زه که از آلات موسیقی قدیم ایران بوده است.

هشتری [Haštari]: گوشه ای است دارای وزن در دستگاه شور.

هشتگاه [Haštghāh]: پرده ای در موسیقی قدیم که در راست پنجگاه می آمده است.

هفت جوش [Haft Juš]: به سنج اطلاق می شود.

هفت خان [Haft Xàn]: از آلات موسیقی کوبه‌ای همردیف کاسات، مرکب از هفت کاسه یا هفت خانه متنوع با اندازه‌های مختلف.

هفت خسروانی [Haft Xosravàni]: در زمان ساسانیان، الحان موسیقی از لحاظ پرده‌های سازنده مطالعه شده بود و آنهایی را که از لحاظ پرده‌های سازنده همسان بودند، در واحدی مستقل قرار دادند. بدین ترتیب هفت واحد بدست آمد به آن‌ها خسروانی می‌گفتند.

هفت خوان رستم، دستگاه موسیقی [Dastgàhe Musiqiye Haftxàne Rostam]: نام هفت خوان در میان قدیمی‌ترین دستگاه‌های موسیقی ایرانی منسوب به باربد یافت می‌شود. امروزه دستگاه موسیقی هفت خوان رستم در موسیقی اهل حق و در مکتب استاد نور علی الهی نواخته می‌شود.

هفت دستگاه موسیقی ایران [Haft Dastgàhe Musiqiye Irani]: شور و ملحقات آن، همایون و اصفهان، ماهور، چهارگاه، سه‌گاه، راست پنجگاه و نوا. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به هر کدام از دستگاه‌ها نگاه کنید.

هفت دستگاه موسیقی ایرانی، کتاب و نوار [Ketáb va Navàre Haft Dastgàhe Musiqiye Irani]: مجموعه‌ای در معرفی موسیقی سنتی ایران، نگارش مجید کیانی که در پائیز ۱۳۶۸ انتشار یافته است.

هفت صد ترانه ملی ایران [Haftsad Taràneye Melliye Iran]: مجموعه گردآوری ح. کوهی کرمانی که در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در تهران چاپ شده. این کتاب نایاب شامل ترانه‌های ملی و بومی ایران است.

هفت گاه [Haft Gáh]: نام نغمه‌ای است در دستگاه پنجگاه.

هفت گنج [Haft Ganj]: از نواهای قدیم موسیقی ایرانی در عهد ساسانی.

هفتم افزوده [Haftome Afzude]: از اصطلاحات فاصله‌های موسیقی. فاصله هفتمی با افزودن نیم پرده کرماطیک، مانند فاصله دو تا سی دیز.

A,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

هفتم بزرگ [Haftome Bozorg]: از اصطلاحات فاصله در موسیقی. فاصله هفتمی با پنج پرده و یک و نیم پرده نظیر فاصله دو تا سی.

هفتم کاسته [Haftome Kāste]: از اصطلاحات فاصله موسیقی. با کم کردن نیم پرده کرماطیک از فاصله هفتم کوچک تشکیل می شود. مانند فاصله دو تا دو لا بمل. این فاصله در موسیقی ایران دارای ۱۸ ربع پرده است.

هفتم کوچک [Haftome Kucek]: از فاصله های موسیقی. با کم کردن نیم پرده کرماطیک از فاصله هفتم بزرگ تشکیل می شود. نظیر فاصله دو تا سی بمل.

هک برت [Hak Bret]: از آلات زهی موسیقی غربی شبیه به سنتور.

هلاکی [Halāki]: از شاعرهای عهد سلطان ابو سعید تیموری است. وفات این شاعر در سال ۹۰۰ هجری اتفاق افتاد. از او دیوان قصائد، غزلیات، مقطعات و رباعیاتش موجود است.

هلال [Helāl]: از آلات کوبه ای در ردیف سنج.

هلالی [Helāli]: بدرالدین هلالی استرآبادی جغتائی از شاعران مشهور پایان دوره تیموری است. هلالی توسط عبیداله خان اوزبک که سنی بود، بجرم شیعه بودن بقتل رسید. این واقعه در سال ۹۳۶ هجری اتفاق افتاد. شهرت هلالی بخاطر، غزلهای لطیف و پُر مضمون و خوش عبارت اوست. کتاب او: شاه و درویش حاوی ۱۳۴۵ بیت و صفات العاشقین شامل ۱۲۳۷ بیت شعر است.

هُلدر [Holder]: سیستمی مشهور به گام خوانندگان و سلفز خوانان. در سیستم هُلدر، هر پرده معادل ۹ کما؛ نیم پرده دیاتونیک ۴ کما و کروماتیک ۵ کما، و اکتاو معادل ۵۳ کما محسوب می شود.

هلن [Helen]: خواننده خوش صدا ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: اقیانوس خالی در دسترس میباشد.

هلن، ایران الدوله [Iran-oldole Helen]: از خوانندگان قدیمی و همدوره با موچول پروانه، ملوک ضرابی و قمرالملوک وزیری.

هلیکن [Helikon]: سازی است بادی مسی با جثه بزرگ که به آن توبای کنترباس هم می گویند.



هم آوازان، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Ham-avazân]: به سرپرستی گلنوش خالقی که در سال ۱۳۵۳ در رادیو تلویزیون ملی ایران تأسیس گردید.

هما [Homâ]: از خوانندگان قدیمی و شاگرد استاد عبدالله دوامی و همدوره با الهه و مرضیه.

هما، سینما [Sinemâ Homâ]: سینما تاتر همای رشت که در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در زمان اشغال متفقین به نام سینما تاتر شرق تغییر نام داده شد، مکانی بود برای اجرای موسیقی و نمایش فیلم های جنگی. سرود ای ایران توسط ارکستر روح اله خالقی برای اولین بار در این محل اجرا گردید.

همام تبریزی [Homâme Tabrizi]: خواجه همام الدین علاء تبریزی از شاعران بزرگ ایران در عهد ایلخانان مغول است. او در سال ۶۳۶ هجری بدنیا آمد. دیوان این شاعر با دو هزار بیت در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود و عکسی از آن برای کتابخانه ملی تهران تهیه شده است.

همایون، دستگاه موسیقی [Dastgâhe Musiqiye Homâyun]: همانطوریکه از گام آن معلوم میگردد، این دستگاه از سایر دستگاه های موسیقی ایرانی متفاوت است و مستقلاً میتواند دستگاهی مجزا محسوب گردد. همایون از نظر داشتن گوشه های مختلف و هم چنین قابلیت بسط و گسترش تا حد

آ،ا آ،ا آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Voklan) O,o V,v چوب (Cub) U,u C,c زاله (Zale) Z,z

دستگاه بودن غنی و معتبر است، ولی بنا به عللی نمیتواند بصورت پایه، زیر بنای دستگاه های دیگر قرار گیرد. ضعف های همایون بشرح زیر است: از نظر نوع موسیقی دارای بیان و حالاتی است که نمیتواند نقطه شروع یا گشاینده باب گفت و گوی موسیقی باشد هم چنین از نقطه نظر علم موسیقی نیز دارای فواصل و گامی است که نمیتواند در خور دستگاهی بنام یگاه باشد. گوشه های همایون به روایت استاد روح اله خالقی عبارتند از: درآمد، کرشمه، چهارم ضراب، زنگ شتر (سه ضربی)، گوشه چهارگاه (در پرده شوشتری)، موالیان (فرودی از چهارگاه به همایون)، چکاوک، بیداد، نی داود، باوی، سوز و گداز، مژده، ابوالچپ، لیلی و مجنون و طرز (در پرده چکاوک). همایون آوازی است با شکوه و مجلل و آرام و در عین حال مؤثر و جذاب. همایون مجموعه ای است از احساسات لطیف. همایون چون دشتی، ناله و زاری نمی کند. دستگاه همایون به روایت آقا میرزا عبدالله از ۲۸ ردیف و گوشه و به روایت زنده یاد محمود کریمی از ۱۲ گوشه تشکیل شده است. همایون، از شعبات بیست و چهارگانه موسیقی مقامی گذشته بوده است.



همایون، عبدالعلی [Abdol-ali Homāyun]: خواننده برنامه کارگران رادیو ایران که در ارکستر نادر نیاکان (برادر شاپور نیاکان) می خواند. عبدالعلی همایون، در فیلم های پرویز صیاد (صمد) نقش سرکار استوار را بازی می کرد. عبدالعلی همایون، سالهاست که در لس آنجلس با دایر کردن شب شعر به کارهای فرهنگی و هنری خود ادامه میدهد.

همایون، علی اکبر [Ali-akbar Homāyun]: نوازنده زیر دست ویلن در ارکستر استاد علی نقی وزیری.

همایون، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Homāyun]: گروه فعال موسیقی در تهران که پس از انقلاب بوجود آمده است.

همایون، نوراله [Nur-ollāh Homāyun]: از شاعران و ترانه سرایان معاصر ایران و همدوره با سالک اصفهانی، نیر سینا و رهی معیری.

همایون پور، منوچهر [Mamucehr Homāyun-pur]: منوچهر همایون پور خواننده مشهور و قدیمی در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد. از کودکی با گوش دادن به آوازهای قمر، بدیع زاده، و تاج اصفهانی آنها را حفظ کرده و می خواند. همایون پور پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۲۲ در تهران وارد خدمت دولتی شد و در سال ۱۳۲۵ به رادیو راه یافت. در بدو ورود به رادیو او با استاد ابوالحسن صبا آشنا شد و مورد آموزش او قرار گرفت. همایون پور سالها با ارکسترهای بزرگ رادیو همکاری می کرد و بنا به عللی همکاری خود را با این سازمان قطع نمود. او علاوه بر خواندن، با نواختن سه تار و ضرب آشنائی کامل داشت. از ترانه های ماندگار همایون پور میتوان به: نغمه بیستون، جام حیرت، سپند و آذر، نوای چوپان، راز هستی، عهد شکن، آوای رهگذر و ده روزه عمر این همه افسانه ندارد. ترانه آخر را منوچهر پور در سال ۱۳۲۹ خورشیدی اجرا کرد.

اولین باری که منوچهر همایون از رادیو برنامه اجرا کرد، تعدادی از علاقمندان به رادیو تلفن زدند. در بین تلفن ها پدر او نیز تلفن زد و گفت: من عمری با شرافت و آبرو زندگی کردم و تو با این کارت آبرو و حیثیت چندین ساله خانوادگی ما را به باد دادی!!

همایون فال، حسن [Hasan Yomāyun-fal]: حسن همایون فال در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در کاشان بدنیا آمد. او از ده سالگی خواندن را آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۳ در آزمون رادیو ایران شرکت کرد و استاد مرتضی حنانه صدای او را قبول نمود. از دیگر استادها و میتوان به: ماه منیر شاد نوش، خانم شه نیا، اسماعیل مهرتاش، حسین قوامی، نصراله زرین پنجه و فریدون مشیری اشاره داشت. اولین ترانه او: «نوای عاشقانه» نام دارد. از این خواننده تاکنون آلبومهای: مرغ جان، وصل جانان و وصل سحر در دسترس می باشد.

همایون فر، ی [Ye Homāyun-far]: شاعر و ترانه سرای قدیمی که اجرای تصنیف او: قهر و آشتی با صدای ج - ص در سال ۱۳۰۸ خورشیدی توسط کمپانی صفحه پُرکنی کلمبیا عرضه شد.

همائی، جلال [Jalāl Homāywi]: شاعر و استاد دانشگاه تهران که سروده او در مرگ استاد ابوالحسن صبا معروفست.

همت شیرازی، علاءالدین [Alā-eddin Hemmat Širāzi]: علاءالدین متخلص به همت، شاعر مشهور در سال ۱۲۷۶ خورشیدی در شیراز بدنیا آمد. در کودکی بر اثر ابتلاء به آبله یک چشم خود را از دست داد. او ادب را از مکتب پدرش میرزا احمد متخلص به وقار آموخت. سالها بعد او چشم دیگرش

آدم (Adam) A,a A,a S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c Z,z زاله (Zale) Z,z

را هم از دست داد. غزلهایش در سبک عراقی، نغز و شیوا است. دیوان شعرا و بالغ بر ۵ هزار بیت دارد. همت شیرازی در سال ۱۳۳۶ در شیراز درگذشت. مقبره او در شاه چراغ است.

همت یار، بدری [Badri Hemmat-yār]: خواننده و کم‌دین معروف ساکن لس آنجلس که از فعالیت بسیار خوبی برخوردار است.

همتی، بهمن [Bahman Hemmati]: بهمن همتی در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد.

او موسیقی را از ۱۵ سالگی با راهنمایی محمد فخر طباطبائی آغاز کرد. سازی که او در ابتداء به فراگیری و نواختن آن پرداخت ویلن بود. بهمن همتی پس از دریافت دیپلم به تهران آمد و به هنرستان موسیقی ملی شبانه که محل آن در خیابان اریاب جمشید بود رفت. ریاست هنرستان با زنده یاد محمد علی امیر جاهد بود و در هنرستان از مکتب استاد علی تجویدی و استاد حبیب‌اله بدیعی بهره‌ها برد.

همتی، جلال [Jalāl Hemmati]: کار خوانندگی را در نو جوانی آغاز نمود، پیش از انقلاب ترانه راک کردی او ورد زبان مردم بود. از جلال بعنوان خواننده پُرکار لس آنجلس میتوان یاد کرد.

همتی راد مرد، رضا [Rezā Hemmati]: از استادان موزیک، دانشکده موزیک نظام در سالهای ۱۳۳۹ و بعد از آن.

همتی ساران، همت علی [Hemmat-ali Hemmati-sārān]: همتی ساران، عاشیق معروف آذربایجان شرقی در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در بستان آباد بدنیا آمد. او بالغ بر ۵۰ سال است که عاشیقی می‌کند. نخستین معلم او: عاشیق بابا، پدرش بود.

همدانیان، حسین [Hoseyn Hamadānyān]: حسین همدانیان خواننده جاودانه ترانه: مبارکباد. در ۲۳ آبانماه ۱۳۰۲ خورشیدی در ناحیه ۶ تهران بدنیا آمد. از کودکی به خواندن و نواختن ضرب پرداخت. اولین استاد او حسین تهرانی بود. حسین همدانیان در سال ۱۳۲۵ به رادیو راه یافت و با ارکستر هائی چون: ابراهیم منصوری، مهدی خالیدی، محمود ذوالفقون و عباس شاپوری همکاری خود را آغاز کرد. او در سال ۱۳۳۵ همکاری خود را با برنامه گل‌های رادیو آغاز نمود. حسین همدانیان در سال ۱۳۵۵ از رادیو بازنشسته شد.

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وچدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

همسرائی [Hamsarāwi]: هم خوانی، دسته جمعی خواندن.

همصدا [Hamsedā]: به نت هائی که اسم و صدایشان یکی است، اطلاق می شود.

هم کوک کردن [Hamkuk Kardan]: هم آهنگ کردن، هم کوک کردن سازها.

هنبوقه [Hanbuqe]: سازی است بادی از رده نی انبان.

هندسی، رضا [rezā Hendesi]: نوازنده تار و از شاگردان آقا میرزا عبدالله بود.

هندی درای [Hendi Darāy]: سازی است ضربی از رده خلخال.

هنر [Honar]: به کار نمایان و برجسته، فن، پیشه و صنعت اطلاق می شود.

هنرآموز [Honar-āmuz]: شاگرد هنرستان، کسی که هنری را فرا میگیرد.

هنر، آموزشگاه موسیقی [Āmuzesgāhe Musiqiye Honar]: آموزشگاه موسیقی هنر به سرپرستی چنگیز عسگر پور، نوازنده چیره دست فلوت که در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در خیابان نادری افتتاح شد.

محل این آموزشگاه ۶ سال در خیابان نادری بود و سپس به خیابان لاله زار، کوچه مهران انتقال یافت و دو سال در محل جدید باز بود و سپس به تعطیلی کشیده شد.

هنر، تاتر [Teātre Honar]: تماشاخانه قدیمی تهران در سالهای ۱۳۰۰ و بعد از آن که محلی برای فعالیت خوانندگان آن روزگاران بود. تماشاخانه هنر در لاله زار واقع بود و برای مدت طولانی قبل از سال ۱۳۰۵ تعطیل شد. در سال ۱۳۰۵، اسماعیل مهرتاش، این تماشاخانه را با کلیه وسائل خریداری کرد، و نام جامعه باربد بر آن نهاد.

هنرجو [Honar-Ju]: به شاگرد هنرستان عالی اطلاق میشود (بر وزن دانشجو).

آ،ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,i W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zāle) Z,z

هنرجو، علی اصغر [Ali-asqar Honar-Ju]: از اعضاء تیم نگارش؛ ردیف سازی هفت دستگاه موسیقی ایرانی که بوسیله هنرمند بزرگ زنده یاد موسی معروفی گردآوری و در اردیبهشت ۱۳۴۲ از جانب اداره هنرهای زیبای کشور منتشر شد. علاوه بر علی اصغر هنرجو، محمد بهارلو، منوچهر حقیقی و موسی مکابی برای نگارش خط نت کتاب قطور یاد شده زحمات بسیاری کشیدند.

هنرستان [Honarestàn]: آموزشگاهی که در آن، هنرهای ظریفه از قبیل: نقاشی، موسیقی و نظایر آن تعلیم داده می شود.

هنرستان عالی موسیقی تهران [Honarestâne Āliye Musiqiye Tehrân]: در سال ۱۲۳۵ خورشیدی مطابق با ۱۸۵۶ میلادی، دو کارشناس موزیک نظام بنامهای: بوسکه (Bousquet) و رویون (Rouillon) از طرف دولت فرانسه به ایران آمدند و یک دسته موزیک نظامی، با روش موزیک نظام فرانسه در ایران تشکیل دادند. در سال ۱۲۴۸ خورشیدی: آلفرد ژان بابتسیت لومر، معاون هنگ اول گارد پرنده، با عنوان رئیس موزیک به استخدام دولت ایران درآمد و روانه تهران شد. لومر در کنار تجدید سازمان دو دسته موزیک سلطنتی، اقدام به پرورش مربی و تکنواز سازهای بادی و همچنین تأسیس شعبه موزیک نظام کرد. شعبه موزیک نظام در سال ۱۲۴۹ خورشیدی تأسیس شد. دوره آن ۶ سال بود و هشت کلاس داشت. دانش آموزان این شعبه پس از گذراندن کلاس پنجم با درجه افسری جزء در قسمت موزیک ارتش وارد خدمت میشدند. در کلاس های هفتم و هشتم، هارمونی، پیانو، ارکستراسیون، کمپوزیسیون و دو ساز تخصصی آموزش داده میشد.

بنا به پیشنهاد لومر، یک فرانسوی دیگر بنام دوال (Duval) که نوازنده ویلن و مربی ارکستر بود به تهران آمد. او نخستین کسی بود که نواختن ویلن را در ایران معمول کرد. معاون او، میرزا تقی خان، تقی دانشور (علم السلطان) بود که نواختن ویلن را نزد او آموخت. تقی دانشور در سال ۱۳۳۹ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. لومر در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران درگذشت و با مرگ او شعبه موزیک نظام تعطیل شد. در سال ۱۲۸۹ خورشیدی، غلامرضا خان سالار معز که افسری تحصیل کرده و از شاگردان برجسته لومر بود، از طرف وزارت معارف به ریاست ارکستر برگزیده شد. در سال ۱۲۹۳ خورشیدی بنا به پیشنهاد سالار معز و تصویب وزارت معارف، شعبه موزیک نظام دارالفنون، زیر عنوان: کلاس موزیک آغاز بکار کرد و ساختمان و حیاط شمالی دارالفنون به این کلاس اختصاص داده شد.

در سال ۱۲۹۴ خورشیدی، نصراله خان مین باشیان، فرزند ارشد سالار معز، برای تدریس به کلاس موزیک دارالفنون فرا خوانده شد و آموزش ویلن و ویلن سل را به عهده گرفت. نصراله خان پس از

آ, a A, a آدم (Ādam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)

وات های (الفنای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I, i و حدان (Vojdan) V, v O, o و جوب (Cub) C, c U, u و زاله (Zāle) Z, z

بازنشسته شدن پدرش در سال ۱۳۱۰ خورشیدی، به ریاست موزیک کل قشون منصوب شد. او در سال ۱۳۱۷ بطور ناگهانی درگذشت.

در سال ۱۲۹۷ خورشیدی، در زمان وزارت احمد بدرنصیرالدوله، کلاس موزیک از دارالفنون جدا شد و بصورت یک مدرسه مستقل درآمد. در حقیقت در این زمان، این نخستین مدرسه مستقل برای تعلیم موسیقی غربی به روش علمی در ایران بود. شرط ورود به مدرسه موزیک داشتن گواهینامه شش ساله ابتدائی بود. دوره تحصیلات مدرسه، رویم، ۶ سال بود. سال او، کلاس آمادگی بود.

در سال ۱۳۰۷ خورشیدی، چون کارکنان دولت از اشتغال در دو سازمان ممنوع شدند. سالار معزز و پسرش و دیگر استادان مدرسه موزیک که درجه افسری داشتند، بناچار از خدمت وزارت معارف کناره گرفتند. در این سال، استاد علی نقی وزیری به ریاست مدرسه موزیک برگزیده شد، و نام مدرسه موزیک به؛ مدرسه موسیقی دولتی تبدیل شد. در سال ۱۳۱۱، مدرسه مورد بازدید مهدی قلی خان هدایت (مخبرالسلطنه) قرار گرفت و پیشرفت کار مدرسه تحسین او که نخست وزیر وقت بود و خود از موسیقی اطلاع داشت را برانگیخت و اعتباری در اختیار مدرسه قرار داد و نام مدرسه موسیقی دولتی به مدرسه موسیقار تبدیل گردید.

در بهار ۱۳۱۳ خورشیدی به موجب قانون تربیت معلم، نام مدرسه موسیقار به هنرستان موسیقی تبدیل گشت. در سال تحصیلی ۱۴ - ۱۳۱۳ غلامحسین مین باشیان، به ریاست هنرستان موسیقی منصوب شد و موزیک ایرانی از برنامه هنرستان حذف گردید. در مهرماه ۱۳۱۷ خورشیدی سروان غلام حسین مین باشیان با انتصاب به ستاد ارتش، مأمور خدمت در وزارت فرهنگ گردید و با حفظ سمت ریاست هنرستان، به ریاست موسیقی کشور نیز برگزیده شد. با تأسیس اداره موسیقی کشور، امور هنرستان به آن اداره واگذار شد و در این زمان نام هنرستان موسیقی به هنرستان عالی موسیقی تبدیل گردید. مدت آموزش عالی به تناسب رشته های تخصصی از دو تا چهار سال تعیین گردید.

با تأسیس دوره عالی هنرستان، ده نفر استاد موزیک از چکسلواکی برای تدریس استخدام شدند. آنها کار خود را از سال تحصیلی ۱۹ - ۱۳۱۸ آغاز نمودند. با یاری این استادها، چند ارکستر در هنرستان بوجود آمد:

۱- ارکستر سنفونی به رهبری مین باشیان

۲- ارکستر کوچک با شرکت هنرآموزان و هنرجویان.

۳- دسته موزیک سازهای بادی به سرپرستی حسن رادمرد و علی محمد خادم میثاق.

در سال ۱۳۱۹ خورشیدی با افتتاح رادیو ایران، ریاست کمیسیون موسیقی به غلامحسین مین باشیان و معاونت آن به سروان ابراهیم آژنگ محول شد.

در سال ۱۳۲۰ مجموع هنرجویان دوره عالی ۲۰ نفر و هنرجویان دوره ابتدائی و متوسطه بیش از ۱۵۰ نفر

آ,ا A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وجدان (Voklan) O,o V,v Cub) چوب (Cub) U,u C,c Z,z زاله (Zale)

بود.

سرگرد مین باشیان از طرف وزیر فرهنگ کابینه فروغی (دکتر عیسی صدیق) در مهرماه ۱۳۲۰ از ریاست اداره موسیقی کشور و هنرستان برکنار شد و بار دیگر استاد علی نقی وزیری به ریاست هنرستان و اداره موسیقی کشور برگزیده شد. در آبان ۱۳۲۰ به خدمت استادان چکسلواکی هم خاتمه داده شد و آنها به کشورشان بازگشتند. در این سال آموزش تار و موسیقی ایرانی به برنامه هنرستان افزوده گردید. در این سال شعبه موسیقی نظام نیز منحل گردید. استاد وزیری، سال ۱۳۲۵ در شرایط بسیار سخت، ریاست اداره موسیقی کشور و هنرستان را به عهده داشت. معاون او، استاد روح اله خالقی بود. در این سال پرویز محمود به ریاست اداره موسیقی و هنرستان برگزیده شد و روبیک گریگوریان به معاونت هنرستان منصوب گردید. پرویز محمود، بار دیگر موسیقی ایرانی را از برنامه هنرستان حذف کرد. در سال ۱۳۲۶، اداره‌ای بنام هنرهای زیبا در کنار اداره کل نگارش وزارت فرهنگ بوجود آمد و هنرستان عالی موسیقی جزو آن سازمان گردید و علاوه بر موسیقی، قالیبافی، نقاشی، مینیاتور، قلم زنی و کارهای مربوط به فیلم و نمایشنامه همگی زیر نظر هنرهای زیبا قرار گرفت و شورای عالی نگارش هنرهای زیبا به سرپرستی وزیر فرهنگ تشکیل گردید. این شورا مرکب بود از:

۱- کمیسیون نمایش و سینما.

۲- کمیسیون موسیقی ملی و بین‌المللی.

۳- کمیسیون هنرها و آثار ملی.

۴- کمیسیون معماری.

۵- کمیسیون نقاشی و حجاری.

در سال ۱۳۲۷ در هنرستان عالی موسیقی صرفاً موسیقی کلاسیک غربی تدریس میشد. مدت دوره عالی در این زمان چهار سال بود و هنرجویان در پایان این دوره موفق به اخذ لیسانس میشدند. در سال ۱۳۳۳ خورشیدی، چند هنرجوی دوره عالی موفق به گرفتن لیسانس شدند. در سال ۱۳۲۹، اداره کل هنرهای زیبای کشور در وزارت فرهنگ تشکیل گردید. در سال ۱۳۳۰ اداره هنرستان عالی موسیقی با اداره‌ای بود بنام: اداره موسیقی و نمایش در هنرهای زیبا.

در سال ۱۳۳۵ اداره کل هنرهای زیبا، امور نمایش را از موسیقی جدا کرد و اداره‌ای بنام موسیقی تشکیل شد و این بار، اداره هنرستان زیر نظر این سازمان جدید درآمد. در سال ۱۳۴۲ به جای اداره آموزش، اداره‌ای بنام اداره آموزش و هنرهای ملی تأسیس گردید و کار هنرستان‌ها در این اداره متمرکز شد. در ۱۸ آذر ۱۳۴۳ خورشیدی به موجب تصویب قانون، وزارت فرهنگ و هنر بوجود آمد.

رؤسای هنرستان از ابتداء تا زمان تغییر رژیم (۱۳۵۷ خورشیدی)

۱- سرتیپ غلامرضا مین باشین ۱۳۰۰ - ۱۳۰۷ خورشیدی

آ،a A,a آدم (Adam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وحدان (Vodan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

- ۲- علی نقی وزیری ۱۳۰۷ - ۱۳۱۳
- ۳- غلام حسین مین باشیان ۱۳۱۳ - ۱۳۲۰
- ۴- علی نقی وزیری ۱۳۲۰ - ۱۳۲۵
- ۵- پرویز محمود ۱۳۲۵ - ۱۳۲۹
- ۶- روییک گریگوریان ۱۳۲۹ - ۱۳۳۱
- ۷- بهاء‌الدین بامشاد ۱۳۳۱ - ۱۳۳۵
- ۸- خانم گیتی امیر خسروی ۱۳۳۵ - ۱۳۳۸
- ۹- غلامحسین غریب گرگانی ۱۳۳۹ - ۱۳۵۱
- ۱۰- یوسف یوسف زاده ۱۳۵۱ - ۱۳۵۳
- ۱۱- علی رهبری ۱۳۵۳ - ۱۳۵۵
- ۱۲- ابوالقاسم طالب زاده ۱۳۵۵ - ۱۳۵۷
و ابراهیم روحی فر

مراحل تشکیل و تغییر نام هنرستان عالی از سال ۱۲۳۵ تا ۱۳۵۷ خورشیدی:

دسته موزیک سلطنتی
شعبه موزیک نظام
کلاس موزیک دارالفنون
مدرسه موزیک
مدرسه موسیقی دولتی
مدرسه موسیقار
هنرستان موسیقی
هنرستان عالی موسیقی

هنرستان موسیقی تبریز [Honarestāne Musiqiye Tabriz]: تبریز کانون هنر و فرهنگی است که از دیر باز بزرگانی از علم و هنر و فرهنگ را در خود پرورانده و با وجود اقلیت های قومی و مذهبی نظیر ارمنی ها و آسوریها باعث باروری فرهنگ ایران زمین شده است. بزرگانی در زمینه موسیقی نظیر شاورش باغدارسیان و روییک گریگوریان از آن جمله اند.

با چنین جو مناسب، با پیشنهاد و پشتکار استاد عزیز شعبانی، هنرستان موسیقی تبریز در ۲۰ مهرماه ۱۳۳۵ خورشیدی رسماً کار خود را آغاز کرد.

آ,ا A,a آدم (Ādam) S,s K,k S,s سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وجدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

ابتداء کلاس های ۴ و ۵ و ۶ ابتدائی و اول دبیرستان (نظام قدیم) تشکیل و بعد در سال ۱۳۳۹ دوره دوم هنرستان به آن افزوده گشت که در ابتداء هدف آن تربیت معلم موسیقی برای مدارس بود. البته این دوره در سال ۱۳۴۳ منحل گردید. در سال ۱۳۵۴ بنا به تصمیم وزارت فرهنگ و هنر آذربایجان هنرستان موسیقی تبریز به دانشسرای هنر تغییر نام یافت و در سال ۱۳۵۸ بخاطر عناد و دشمنی طبقه آخوند و شخص خمینی کلیه دانشسراهای هنر و هم چنین هنرستانهای عالی موسیقی در ایران منحل شد که صدمه ای جبران ناپذیر در کنار مابقی جریانات نابود کننده بر این مملکت پیش آورد.

در سال ۱۳۴۶ ارکستر بزرگ هنرستان موسیقی تبریز تشکیل گردید و مدت ۱۱ سال در سطح استان و خارج از آن به اجرای کنسرت های متعدد پرداخت. استادهایی که در هنرستان موسیقی تبریز از آغاز و تا انحلال همکاری داشتند عبارتند از:

زاون یادگاریان، استپان سانوسیان، نیکلا خاچاطوریان (ویلن)، آشوت بابایان (کلارینت و فلوت)، خانم لوسیک یغیازاریان (پیانو) دکتر احد بهجت، اسماعیل حامد یزدانی (سنتور)، حسن عذاری (تار ایرانی) آساطور صفریان (تار آذربایجانی) و فریدون تقی زاده (کلارینت).

رؤسای هنرستان موسیقی تبریز از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۸ عبارتند از:

عزیز شعبانی، مصطفی کسروی، یوسف یوسف زاده، هدایت اله خیرخواه و علی محمد رشیدی.

هنرستان و هنرکده موسیقی ملی [Honarestàn va Honarkadeye Musiqiye Melli]:

در سال ۱۳۲۳ خورشیدی که استاد علی نقی وزیری، رئیس اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی موسیقی بود، چند تن از استادان موسیقی طرحی را پیشنهاد کردند که بار دیگر موسیقی ایرانی از برنامه هنرستان حذف شود و بعدها در سال ۱۳۲۵ با روی کار آمدن پرویز محمود این طرح بمرحله اجرا درآمد. در آن سال استاد روح اله خالقی که معاونت اداره موسیقی کشور را عهده داشت، در صدد ایجاد یک کانون برای حمایت از موسیقی ملی برآمد و انجمنی بنام «انجمن دوستداران موسیقی ملی» تأسیس کرد، و گروهی از هنرمندان را گرد آورد که نام تمامی آنها در این دانشنامه آمده است. درگردهمایی جمعی از استادان فن، نام انجمن به انجمن موسیقی ملی تغییر یافت و اشخاص زیر برای اداره کردن آن برگزیده شدند: فرج اله بهرامی (دبیر اعظم)، رئیس انجمن موسیقی ملی. علی نقی وزیری، نایب رئیس انجمن، روح اله خالقی، دبیر انجمن، دکتر علی فرهنگدی، محمد علی امیر جاهد، لطف اله مفخم پایان، حسین علی ملاح، مهدی مفتاح از اعضاء ثابت انجمن برگزیده شدند.

انجمن در مهر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی کار رسمی خود را آغاز کرد. انجمن یک شرکت سهامی و یک باشگاه هم تشکیل داد. حق عضویت در آن زمان ۵۰ ریال بود. در سال ۱۳۲۴ دبیر اعظم بهرامی از ریاست انجمن کناره گرفت و علی نقی وزیری به ریاست برگزیده شد. در سال ۱۳۲۵ برای انجمن خانه بزرگی از

آ, a آد (Adam) S, s K, k S, s سرکش (Sarkes) J, j W, w جمع (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I, i وودان (Voklan) O, o V, v جوب (Cub) C, c U, u زاله (Zale) Z, z

سلیمان سپانلو در خیابان هدایت اجاره شد. از فعالیت های انجمن؛ انتشار نشریه چنگ بود که متأسفانه فقط چهار شماره از آن چاپ شد. از دیگر تلاش های انجمن، تشکیل کلاس شبانه آموزش موسیقی بود که سرپرستی آن با استاد حسین علی ملاح بود. در سال ۱۳۲۶ با کوشش های بی شمار استاد روح اله خالقی طبق اساسنامه هنرهای زیبای کشور، هنرستان موسیقی ملی، در شمار وظایف کمیسیون موسیقی بین المللی پیش بینی شد. با تلاش شبانه روزی خالقی، دکتر فرهمندی و جلال طباطبائی، امتیاز تأسیس هنرستان موسیقی ملی در سال ۱۳۲۸ کسب شد. روح اله خالقی از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۲۸ به ریاست هنرستان منصوب شد و نخستین کلاس هنرستان در مهرماه ۱۳۲۸ خورشیدی بصورت مختلط (پسر و دختر) گشایش یافت.

نخستین کمک وزارت فرهنگ به هنرستان، اهدای یک پیانو و تعدادی تار و ویلن بود. هدف از گشودن هنرستان موسیقی ملی، حفظ و ترویج موسیقی ایرانی و تربیت هنرآموز و ارتقاء مقام اجتماعی هنرمندان و آموزش موسیقی به شیوه صحیح و علمی بود.

دوره هنرستان ۸ سال پیش بینی شد. دانش آموزانی که کارنامه قبولی کلاس چهارم ابتدائی را داشتند، می توانستند در سال اول هنرستان ثبت نام کنند. در آغاز گشایش هنرستان، استاد هائی چون: ابوالحسن صبا، موسی معروفی، نصراله زرین پنجه، حسین علی وزیری تبار و جواد معروفی همکاری خود را با هنرستان آغاز کردند و در سالهای بعد، بزرگان دیگر چون:

علی محمد خادم میثاق، مهدی مفتاح، حسین علی ملاح، حسین صبا، محمود ذوالفنون، حسین تهرانی، پرویز خانلری، منوچهر محمودی، هادی نراقی، شکوه شهرستانی، صادقی نژاد، عسگر شلیله به جمع فوق پیوستند. در سالهای نخستین تأسیس هنرستان؛ تار، سه تار، ویلن و پیانو ساز اول و قره نی، فلوت و عود بعنوان ساز دوم تعلیم داده میشد. در بهمن ۱۳۲۹، هنرستان موسیقی ملی، مورد حمایت اداره کل هنرهای زیبای کشور قرار گرفت.

نخستین گروه فارغ التحصیلان هنرستان یازده نفر بودند (۵ دختر و ۶ پسر). اداره کل هنرهای زیبا در بهمن ۱۳۳۴ به منظور انجام مطالعات علمی و پژوهشی، روح خالقی را به هند و سال بعد، مهدی مفتاح را به بغداد فرستاد. مفتاح پس از دو ماه مطالعه، سه عدد قانون خریداری و به ایران بازگشت و قانون در رده سازهای ایرانی در حجم درسی هنرستان گنجانیده شد.

در سال ۱۳۳۸ روح خالقی به خواست خود بازنشسته شد و مهدی مفتاح به ریاست هنرستان رسید. دوره عالی هنرستان در سال ۱۳۳۹ خورشیدی گشوده شد و از فارغ التحصیلان دوره لیسانس آن میتوان به، فرهاد فخرالدینی، شاهرخ ناصری، فرادا دیلم پور، مولود نوربخش و افلیا پرتو اشاره کرد. دوره عالی هنرستان در سال ۱۳۵۰ تعطیل شد و جای خود را به هنرکده موسیقی داد.

رؤسای هنرستان موسیقی ملی از آغاز تا ۱۳۵۷ خورشیدی

آ،ا Adam (آدم) A,a S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جم (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i و حدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

- ۱- روح اله خالقی ۱۳۲۸-۱۳۳۸ خورشیدی
- ۲- مهدی مفتاح ۱۳۳۸-۱۳۴۱
- ۳- حسین دهلوی ۱۳۴۱-۱۳۵۰
- ۴- مصطفی کمال پورتراب ۱۳۵۰-۱۳۵۲
- ۵- علی رهبری ۱۳۵۲-۱۳۵۵
- ۶- دکتر حسن فرشاد ۱۳۵۵-۱۳۵۷

هنر سرا [Honar sarā]: لطفاً به هنرستان نگاه کنید.

هنر سرای باربد [Honarsarāye Bārbad]: مشاور ادوات موسیقی خرید، فروش، تعمیر و کوک و ساخت انواع سازهای ایرانی به سرپرستی بهروز قنسولی که در تهران، میدان بهارستان واقع است.

هنر سرای غژک [Honarsarāye Qejak]: مرکز خرید و فروش کلیه ادوات موسیقی سنتی ایران که در کوی گیشا تهران قرار دارد.

هنر سرای فرهاد [Honarsarāye Farhād]: مرکز خرید و فروش و تعمیر انواع آلات موسیقی که در تهران عشرت آباد، خیابان سپاه واقع است.

هنر سرای مسعود [Honarsarāye Maswud]: مرکز خرید و فروش کلیه سازهای موسیقی سنتی ایران به سرپرستی مسعود پیشدادی که در تهران، میدان بهارستان واقع است.

هنرکده [Honar Kade]: آموزشگاه عالی که در آن هنر و صنعت آموزش داده می شود.

هنرگاه موسیقی [Honargāhe Musiqi]: آموزشگاه تعلیم موسیقی به سرپرستی محمد حسین جهانشاهی در کوچه حمام حاج آقا بزرگ رشت در سال ۱۳۳۵ خورشیدی.

هنرمند [Honarmand]: با هنر، هنرور، متخصص در یکی از فنون ظریفه.

هنر و مردم، ماهنامه [Māhnāme ye Honar va Mardom]: ماهنامه منتشره در تهران در سالهای

آ,ā A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkēš) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفنای) نوین برای درست خواندن (Iran) ایران I,i وجدان (Vojdan) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u زاله (Zale) Z,z

پیش و بعد از ۱۳۴۵ خورشیدی که به درج مطلب راجع به هنرهای ظریفه می پرداخت.

هنگ آفرین، اکبر [Akbar Hang áfarin]: نوازنده ویلن و برادر حسین خان هنگ آفرین است.

هنگ آفرین، حسین خان [Hoseyn-xân Hang-áfarin]: از شاگردان ممتاز لومر و هم چنین میرزا عبدالله بود که ریاست دسته موزیک قزاقخانه را به عهده داشت. او ردیف های موسیقی ایران را بخوبی می شناخت و سه تار خوش می نواخت، و در نواختن ویلن، سازهای بادی و پیانو تسلط کامل داشت.

حسین هنگ آفرین، سالها سمت معلم موسیقی در مدرسه موزیک نظام را داشت. او در منزل خود، کلاس خصوصی برای تعلیم هنرآموز دایر کرده بود. هنگ آفرین، ردیف دستگاه ماهور را که از آقا میرزا عبدالله فرا گرفته با ویلن نواخته و سالار معزز آنرا به خط نت نوشته است. این نت ها بعداً در برلن چاپ شد. پدر حسین هنگ آفرین، عبدالله خان نام داشت و تار میزد، برادر او عباس خان هم، کمانچه و ویلن میزد. او یک برادر دیگر بنام اکبر خان داشت که نوازنده فلوت بود.

حسین هنگ آفرین، معروف به حسین «ر» بود زیرا برای هماهنگ کردن ویلن با تار، سیم اول را یک پرده پائین میآورد و به جای آنکه با نت می "Mi" هماهنگ کند «ر» کوک می کرد. او وقتی می خواست ویلن شاگردانش را کوک کند مرتباً می گفت «ر» بده، از این جهت به حسین «ر» معروف شده بود. حسین خان هنگ آفرین در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در سن ۷۶ سالگی چشم از جهان فرو بست.

هنگام [Hengám]: اکتاو را گویند. لطفاً به اکتاو نگاه کنید.

هوا [Havá]: آهنگ، لحن، راه، آواز، سرود و صدا.

هوانگ فو [Huàng Fu]: موسیقیدان بزرگ ایرانی در دربار امپراتور چین مینگ هوانگ Minghuang در سال ۷۳۳ میلادی

هوای تازه [Havâye Tâze]: برنامه رادیویی پیرامون موسیقی ایرانی که توسط پروین جوادی از رادیو ایران 670 AM لس آنجلس پخش می شود.

هوایی [Havâwi]: از انواع تصنیف ها در موسیقی قدیم ایران.

A,a A,a آدم (Ádam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الناس) نوین برای درست خواندن Iran ایران I,i Vojdan وحدان O,o V,v C,c U,u چوب (Cub) Z,z زاله (Zâle)

هوت، کمال خان [Kamāl-xān Hut]: از شائران مشهور در چابهار بلوچستان. لطفاً جهت اطلاعات بیشتر به شتر نگاه کنید.

هوتن [Hutan]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم «پسر مشرقی» در دسترس میباشد.

هوتن [Hutan]: خواننده مشهور پیش از انقلاب و همدوره با داریوش، فرهاد، فریدون فروغی که از او ترانه های: صدای گریه میاد و اسیر پائیز قابل ذکر است.

هودی [Hudi]: لالائی که مادر ترکمن بر بالین فرزندش می خواند. هودی نماینده احساسات و عواطف موسیقی ترکمن صحرا است.

هوره [Hure]: از مقام های مجلسی در موسیقی تنبور کرمانشاهان. هوره بنظر می آید، قدیمی ترین و باستانی ترین آواز ایرانی باشد. هوره، از ریتم آزاد پیروی می کند و بیشتر در نواحی؛ گوران، سنجابی، قلخانی و کلهر از توابع کرمانشاه مرسوم است. بعضی از مقام های هوره عبارتند از: بان بنه ای، بیغری چر، دو دنگی، ماریه، غریبی، ساروخانی، گل وده، پارموری، قطار، هجرانی، سحری، طرز رستم و هی الاوه.

هوسپیان، اریک [Erik Housepyān]: نوازنده چیره دست ویلن آلتو در ارکستر سنفونیک تهران و رهبر دسته گر که در حال حاضر در کانادا زندگی می کند.

هوشمند، مسعود [Maswud Hušmand]: ترانه سرائی که در آمریکا اقامت دارد و از سروده های او میتوان به ترانه: منتظر با صدای مریم جلالی و آهنگ حسین واثقی اشاره داشت.

هوشه [Huše]: سازی است ضربی از رده چغانه که به آن آخلکندو هم می گویند.

هوموفونی [Homofoni]: آواز هائی که برای یک صدا ساخته می شود و جمع، آنرا یکصدا می خوانند. نظیر ترانه هائی که اکثر مردم دانسته و با هم می خوانند.

هونی [Huni]: لطفاً به یوسف خان نگاه کنید.

آدم (Ādam) A,a S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Irān) I,i وچدان (Vojdān) V,v O,o جوب (Cub) U,u C,c زاله (Zāle) Z,z

هوشیار نژاد، همایون [Homáyun Hošyárnezád] ترانه سرای مشهور ساکن لس آنجلس که با اکثر خوانندگان این شهر همکاری نزدیکی دارد. هوشیار نژاد در کنار حرفه روزنامه نگاری، یکی از فعال ترین ترانه سرایان معاصر بشمار میرود.

هومن [Homan]: خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: قرار در دسترس میباشد.

هه رای (هرای) [Heráye]: آواز فریاد کوهستان در شمال خراسان است که گویای زندگی پُرحادثه و پُر سوز و گداز و آوارگی مردم گُرد آن ناحیه می باشد.

هیت، ایرج [Iraj Heyat]: آهنگساز مشهور و با سابقه که در اروپا فعالیت دارد. این هنرمند همکاری نزدیکی با حسام خواننده موفق ساکن بروکسل دارد.

هیز مسترز ویس [Hiz Masterz Voys]: کارخانه و شرکت صفحه پُرکنی آمریکائی. سابقه تشکیل شرکتی که صفحه های ایرانی را ضبط و تکثیر و به بازار عرضه کرد بقرار زیر است: در جون ۱۸۹۷ میلادی، بنا به تقاضای امیل برلیز، شخصی بنام ویلیام بری اون، برای رسیدگی به امور بازرگانی مربوط به گرامافون به انگلستان رفت و در دسامبر همان سال شرکت گرامافون تشکیل شد و به برلیز در آمریکا سفارش کرد تا دستگاه و وسائل ضبط و پخش را به انگلستان ارسال دارد. در ۲۵ اگست ۱۸۹۹ میلادی شرکت مذکور با سرمایه ۱۵۰ هزار پوند کار خود را آغاز نمود. در سپتامبر ۱۸۹۹ آقای بری اون، مدیر عامل شرکت، تصویر سنگ و گرامافون بوقی را بنام هیز مسترز ویس برای کمپانی خود انتخاب کرد. در سال ۱۹۰۱ شرکت مذکور شعبه ای در هندوستان و در سال ۱۹۰۲ میلادی شعبه شرکت مذکور در ایران دایر شد. در زمانی که ضبط موسیقی ایرانی آغاز گشت (۱۹۰۶ میلادی) هنوز تعدادی از استاد های موسیقی زمان ناصرالدین شاه در قید حیات بودند و آثار آنها بر روی صفحات هیز مسترز ویس ضبط شده است.